

• دکتر روحانی، ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، در ضمن سخنرانی خود در «مجمع ملی سلامت» که در سال گذشته داشتند، گفتند: برخی آژایمر سیاسی گرفته‌اند. آژایمر در دانش پزشکی نوعی بیماری مربوط به اختلال حافظه به حساب می‌آید؛ اما استفاده از این واژه در عالم سیاست ناظر به افراد و جریاناتی است که عملکرد و عقیده سیاسی خود را فراموش کرده یا به تعبیر دقیق‌تر خود را به فراموشی زده‌اند. با نزدیک شدن انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دوازدهم و تحرک سیاسی و انتخاباتی افراد و گروه‌ها و سلايق مختلف متأسفانه افرادی از اعضای ارشد دولت سابق به‌گونه‌ای سخن می‌گویند که تردیدی در دچارشدن آنها به نسیان یا خودفراموشی باقی نمی‌گذارد. رئیس‌جمهور دولت‌های نهم و دهم و تیم او به جای پاسخ‌گویی به عملکرد ضعیف خود در حوزه‌های مختلف در مقام مدعی و طلبکار ظاهر شده و غیرمنصفانه به تخریب دولت یازدهم و دستاوردهای اقتصادی و سیاسی آن مبادرت می‌ورزند و شگفت‌آور آنکه جریانات سیاسی حامی رئیس‌جمهوری سابق هم حمایت و دفاع تمام‌عیار و فراقیصر خود از عملکرد دولت سابق، به روی‌شان نمی‌آورند. این حضرات و اکثریت طیف سیاسی موسوم به «اصولگرا» که از قضا گفتمان غالب و مسلط خویش را در حوزه اقتصاد و شاخص‌های آن متمرکز کرده‌اند که البته پدیده میمون و مبارکی است که در گذشته نزد آنان مغفول مانده و از اعتنا و اعتبار چندانی برخوردار نبوده است- کافی است از سر صدق و انصاف نگاهی به کارنامه و دستاوردهای خود حداقل در همین حوزه بیندازند تا در آینه عملکردشان، تصویر راستین خود را بازبایند. بررسی تغییرات آماری در هشت سال دولت جناب آقای احمدی‌نژاد و مقایسه آن با دولت اصلاحات به‌خوبی نمایان می‌کند که آقایان در چه وضعیتی دولت را تحویل گرفتند و با چه میراثی آن را به دولت یازدهم سپردند. دولت نهم و رئیس محترم آنکه از سوی مریدانش به معجزه هزاره سوم لقب گرفت، تورم ۱۰درصدی، رشد اقتصادی شش درصد و دلار ۲۰۴تومانی، ۲۰ میلیارد دلار حساب ذخیره ارزی و پنج‌هزارو صد میلیارد تومان پول در خزانه‌داری کل و... را از دولت اصلاحات تحویل و با تورم ۴۰ درصد و رشد اقتصادی منفی، سه‌برابرونی شدن نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی، کاهش ۷۳درصدی قدرت خرید کارکنان دولت، تعطیلی پنج‌هزار ۴۰۰ واحد تولیدی و صنعتی بزرگ و کوچک، تراز بازرگانی منفی، بدهی ۱۶۵ هزار میلیاردتومانی به بانک مرکزی و بیمه‌انکاران و ۶۰ هزار پروژه عمرانی نیمه‌تمام با حجم ریالی نزدیک به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان و... همراه با تحریم‌های فلج‌کننده و قطع‌نامه‌های بیابای شورای امنیت با همان کاغذپاره‌ها!! را تحویل دولت جناب آقای روحانی دادند. و این‌همه در حالی اتفاق افتاده است که به اندازه ۲۶ سال دولتهای پس از انقلاب درآمد نفتی داشته‌اند. حال که دولت یازدهم در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی ازجمله تعامل سازنده در روابط بین‌المللی، حل مناقشه مذاکرات هسته‌ای، رفع تحریم‌ها، تک‌رقمی کردن نرخ تورم، رشد اقتصادی پنج‌درصدی، خودکفایی در زمینه تولید گندم و مثبت کردن تراز بازرگانی خارجی و گشایش در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی و هنری، عملکرد مطلوبی را در کارنامه خود دارد، معلوم نیست که براساس کدام گمانه‌زنی به دنبال سیاه‌نمایی هستند. شاید آنان می‌پندارند که مردم رشید و فهیم ایران هم دچار آژایمر سیاسی شده‌اند و کارکردها و دستاوردهای اقتصادی و سیاسی آنها را به پوته فراموشی سپرده‌اند. چه کسی است که نداند نعل وارونه زدن و موضع حق به‌جانب و طلبکارانه گرفتن شیوه‌ای منسوخ و نخ‌نماشده‌ای است که هرگز کسی را به مرکب قدرت نمی‌نشانند. البته حضور در عرصه سیاسی و ازجمله شرکت در انتخابات و رقابت سالم و دموکراتیک از حقوق مسلم شهروندی مردم ایران و ازجمله این آقایان و حامیان سیاسی آنهاست که بر حاکمیت است به نحوه شایسته آن تدارک و تمهید شود؛ اما انتظار می‌رود به جای فراقی و آدرس غلط‌دادن‌ها، با پذیرش مسئولیت عملکرد گذشته خود و بیان صادقانه مواضع و دیدگاه‌های خود در این پروژه مهم سیاسی حضور به هم رسانند. و در آخر اینکه تکیه بر شعارهای پوپولیستی و بالابردن سطح توقعات مردم ازجمله یارانه نقدی ۲۵۰هزارتومانی صرف‌نظر از اینکه تأمین آن از حیث منابع و اختیارات به شدت جای سؤال و اشکال دارد، افزایش مطالبات مردم که عده کثیری از آنها به دلایلی از جمله سوءعملکرد همین مدعیان دچار تکنکاهای معیشتی هستند و برکشیدن آن تا مرز انفجار خلاف امنیت و مصالح ملی است که قطعا اصولگرایان واقعی از آن رضایت ندارند.

همگان بگوئیم تا در یک مشارکت فراگیر، آزاد و با دوری‌گزیدن از توئین و تخریب و با تکیه بر قانون و اخلاق، حماسه ملی دیگری را رقم بزنیم؛ امیری که رهبری معظم انقلاب همواره در همه ادوار انتخابات بر آن انگشت تأیید و تأکید می‌نهد. این سخن را با بیتی از شیخ اجل سعدی شیرازی به پایان می‌برم که:

سعدیا راست‌زوان گوی سعادت بردند

راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

«دانشجوی دوره دکترای علوم سیاسی

ششرق، آمنه شیرافکن: آن مرد با ششوک آمد. مصمم و با دست‌های گره‌کرده، پیش‌تر تبلیغات درخت و نوروز و توئیتر، افکار عمومی را یک بار دیگر با چهره او آشنا کرده بود. برای خیلی از مردم ایران محمود احمدی‌نژاد مساوی است با یک کابوس اقتصادی و سیاسی. مردی که حضورش در پهنه قدرت سیاسی ایران روزهای نامتوازن و عجیب‌وغریبی در تاریخ ایران ثبت کرد. از جهش یکباره قیمت دلار و البته قیمت همه اقلام در کشور گرفته تا نزدیک شدن کشور به آستانه جنگ و مواجهه با انواع تحریم‌ها. پرونده اختلاس‌های تاریخی نیز به میراث دولت فخیمه او بازمی‌گردد. از اینها گذشته کاهش سرانه اعتماد عمومی و مباحث اخلاق اجتماعی از دیگر عارضه‌های کشورداری او بود. حالا به جای همراهی، خودش دست به شناسنامه شده و ثبت‌نام کرده است. حمیدرضا جلالی‌پور

که از دوره سربازی احمدی‌نژاد، خاطره‌های شنیدنی دارد، مشکل احمدی‌نژاد را خودش‌یفتگی بی‌حدوصصر او و نیازش به دیده‌شدن عنوان می‌کند.

حمیدرضا جلالی‌پور، جامعه‌شناس و استاد

دانشگاه تهران تأکید دارد، پدیده احمدی‌نژاد

شانسی برای تأثیرگذاری در عرصه رسمی

سیاست ندارد.

آیا از نام‌نویسی احمدی‌نژاد متعجب شدید؟ فکر می‌کنید یک بازی سیاسی از جناح اصولگراست یا صرفاً حرکت احمدی‌نژاد و بقای و مشایی و طیف خودش؟

این کارهای احمدی‌نژاد برای کسانی که او را از نزدیک می‌شناختند، کارهای عجیبی نیست. عجیب اعتمادی بود که اصولگرایان به خطا، به او داشتند، آن هم از ابتدا، یعنی از سال ۸۲ به بعد. پادم هست همان روزهایی که فهرست احمدی‌نژاد در شورای شهر تهران هشت‌میلیونی با مشارکت ۱۰۶ هزار نفر رای آورد (سال ۸۲) و شهردار تهران شد - و هنوز بحث اینکه او «رجایی» است- من در نشست ماهانه همکاران سابق به آقای ناطق‌نوری گفتم حاج آقا، اطلاع بدهید این احمدی‌نژاد «رجایی» شما نیست. شهید رجایی یک شخصیت انقلابی واقع‌نگر و صادق و به قول امام دارای عقل بود. بعد گفتم من احمدی‌نژاد را در زمان جنگ، دو سالی که به عنوان سرباز در کردستان مشاور استاندار بود خوب و از نزدیک می‌شناسم. به حاج آقای ناطق‌نوری گفتم این فرد نامتعادل، متوهم، خودشیفته است و علاقه عجیبی برای دیده‌شدن دارد. بعد به حاج آقا گفتم دیده‌شدن در زمان جنگ به اینار زیاد نیاز داشت و چون ایشان در جنگ اهل حضور در مناطق خطرخیز نبود، دیده نشد. به همین دلیل کسی ایشان را به عنوان معاون استاندار یا استاندار (در زمانی که همه برای نیرو در مناطق جنگی له‌له می‌زدند) به آقای ناطق که وزیر کشور بود، معرفی نکرد. به حاج آقا گفتم از ۶۸ تا ۸۲ هم کارهایی کرد تا دیده بشود. مثل اینکه با کمک انصار حزب‌الله در دادگاه روزنامه سلام و محاکمه جناب موسوی خوئینی‌ها جفیه بست و در صف جلو نشست یا با کمک جناب الهام، دفاتر استانی شورای نگهبان را برای نظارت بیشتر تقویت کردند. ولی باز زیاد دیده نشد.

بعد گفتم حاج آقا این پست شهرداری تهران

برای احمدی‌نژاد پست نگران‌کننده‌ای است، این‌قدر امکانات حکومت را پشت این فرد خودشیفته قرار ندهید؛ چون برای دیده‌شدن کارهای عجیب‌وغریبی از او سر می‌زند.

مثلاً چه کارهایی مدنظرتان بود؟

برای نمونه پول شهرداری را خرج غذا برای هیئت‌ها می‌کرد تا دیده شود یا پروژه‌های شهرداری را بدون مناقصه به نهادهای انقلابی و غیرمرتبط با شهرداری می‌داد. می‌گفت این من هستم که می‌توانم تکلیف خاتمی را معلوم کنم. ایشان یک فرد غیرواقع‌بین است، ایشان کجا و مرحوم رجایی کجا؟ ایشان کار دست همه می‌دهد.

خب با این‌همه توصیه‌های شما به آقای ناطق، واکنش ایشان چطور بود؟

البته همین‌جا اذعان کنم حجت‌الاسلام ناطق‌نوری جزء نخستین شخصیت‌هایی است که احمدی‌نژاد را از همان روز اول شناخت و اصولگرایان پشت آقای ناطق را به نفع شعارهای دهن‌پرکن و متوهمانه احمدی‌نژاد خالی کردند. بعد گفتم من احمدی‌نژاد را در زمان جنگ، دو سالی که به عنوان سرباز در کردستان مشاور استاندار بود خوب و از نزدیک می‌شناسم. به حاج آقای ناطق‌نوری گفتم این فرد نامتعادل، متوهم، خودشیفته است و علاقه عجیبی برای دیده‌شدن دارد. بعد به حاج آقا گفتم دیده‌شدن در زمان جنگ به اینار زیاد نیاز داشت و چون ایشان در جنگ اهل حضور در مناطق خطرخیز نبود، دیده نشد. به همین دلیل کسی ایشان را به عنوان معاون استاندار یا استاندار (در زمانی که همه برای نیرو در مناطق جنگی له‌له می‌زدند) به آقای ناطق که وزیر کشور بود، معرفی نکرد.

به حاج آقا گفتم از ۶۸ تا ۸۲ هم کارهایی کرد تا دیده بشود. مثل اینکه با کمک انصار حزب‌الله در دادگاه روزنامه سلام و محاکمه جناب موسوی خوئینی‌ها جفیه بست و در صف جلو نشست یا با کمک جناب الهام، دفاتر استانی شورای نگهبان را برای نظارت بیشتر تقویت کردند. ولی باز زیاد دیده نشد.

بعد گفتم حاج آقا این پست شهرداری تهران

واکنش ایران به تحریم‌های حقوق‌بشری اروپا

فارس: سخنگوی وزارت خارجه گفت: جمهوری اسلامی ایران روند تکراری و ناسالم برخوردهای دوگانه و سیاسی و سوءاستفاده ابزاری از حقوق بشر از سوی اتحادیه اروپا، ازجمله تمدید حقوق بشری که تحریم‌های یک‌جانبه غیرمشمروع به بهانه نقض حقوق بشر را محکوم می‌کند.

وی افزود: متأسفانه اتحادیه اروپا نشان داده است که درک درست و واقع‌بینانه‌ای از وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ندارد و با برخوردهای کاملاً سیاسی، چشمان خود را بر واقعیات مربوط به حقوق شهروندی در نظام مردم‌سالاری دینی در ایران بسته است.

امیری: توصیه‌های رهبری برای همه لازم‌الاجراست

ایسنا: حسینعلی امیری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور، گفت: هرکس می‌خواهد در نظام جمهوری اسلامی مسئولیت بپذیرد، قاعداً باید همه اصول قانون اساسی را هم قبول داشته باشد و براساس آن عمل کند؛ در چنین ساختاری، تبعیت از ولایت فقیه یک اصل است.

او در پاسخ به پرسشی درباره ثبت‌نام محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری، اظهار کرد: فرمایشات مقام معظم رهبری و

ناگفته‌های حمیدرضا جلالی‌پور از محمود احمدی‌نژاد

به ناطق گفتم این فرد نامتعادل، متوهم و خودشیفته است

احمدی‌نژاد اعتیاد به دیده‌شدن دارد



عکس: امیر پور - شرق

کرد، نظام اداری را شخم زد، فساد اداری را افسارگسیخته کرد، دوقطبی خودش و هاشمی را (با زیرآگاه‌داشتن شخصیت‌های پاک‌دست کشور) برای دیده‌شدن تشدید کرد.

حالا پس از نهی از سوی رهبری، دنبال دوقطبی دیگری است تا فراموش نشود و صدا البته دیده بشود. وقتی در کشورداری دموکراسی خوب کار نکنند، در این شرایط شخصیت‌های نامتعادل برای حضور به وجد می‌آیند. ماجرای ردصلاحیت احمدی‌نژاد چقدر می‌تواند جدی باشد. اگر پاسخ‌تان مثبت است، تحلیل پسارذصلاحیت را چطور می‌بینید؟ آیا می‌توان به پایان

سیاسی احمدی‌نژاد رسید؟ خب در شرایط کنونی به احتمال زیاد سخن احمدی‌نژاد این خواهد بود که دیگر هر کاری نکنند، فراموش نخواهم شد؛ یا می‌آیم یا ردصلاحیت می‌شوم؛ چوب دو سر طلاست.

بحث‌های مربوط به تهدید منافع ملی و سرنوشت کشور و توسعه هم به‌هیچ‌وجه برایش مهم نیست؛ چون خودشیفتگی‌اش به او اجازه ارزیابی درست وضعیت را نمی‌دهد.

کا در بطن جامعه نگرانی‌هایی از ردصلاحیت حسن روحانی وجود دارد. بسا درنظرگرفتن شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر در ایران، تا چه میزان این گزینه می‌تواند جدی باشد. تحلیل و نظر شما چیست؟

در واقع احمدی‌نژاد، اگر اصولگرایان پشتش نمی‌آمدند، پدیده‌ای نبود. الان هم اگر انتخابات رقابتی برگزار شود (و خصوصاً محصوران آزاد بشوند) احمدی‌نژاد، این پوپولیست قلابی، پدیده‌ای نگران‌کننده نیست.

این‌طور به نظر می‌رسد که با آمدن رئیسی دوقطبی بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان شکل می‌گیرد. حالا با آمدن احمدی‌نژاد این گزاره را چطور می‌بینید. آمدن احمدی‌نژاد به شکل خاص چه تأثیری در طیف حامی رئیسی دارد؟

من در بالا جواب دادم که مشکل ما احمدی‌نژاد متوهم نیست. اگر جریانی قوی به دنبال مدیریت عرصه سیاسی نباشد، تیپ‌هایی مثل احمدی‌نژاد نمی‌توانند نگران‌کننده باشند. نگرانی وقتی آغاز می‌شود که شخصیت احمدی‌نژادشناسی مثل مرحوم هاشمی مورد اتهام تندروها قرار می‌گیرد.

پیش‌بینی شما به‌طورکلی از وزن‌کشی سیاسی در انتخابات پیش‌رو چیست؟ آیا مسیر را در تداوم دموکراسی مهیا می‌بینید یا گام‌هایی به عقب برداشته خواهد شد. این سؤال را با درنظرگرفتن شرایط منطقه‌ای، اقتصادی و بین‌المللی توضیح بدهید.

من که به آینده کشور خوش‌بینم، توهمات و خودشیفتگی‌های احمدی‌نژاد نمی‌تواند مشکلی در انتخابات و حرکت جامعه به سوی توسعه پایدار و همه‌جانبه و حکمرانی خوب ایجاد کند. مشکل با پرهیز از مدیریت‌کردن عرصه سیاست و قدرت حل می‌شود؛ وگرنه احمدی‌نژاد متوهم به‌عنوان یک پوپولیست قلابی نمی‌تواند برای کشور مشکل اساسی ایجاد کند.



غلامرضا حیدری*

• ثبت‌نام آقای احمدی‌نژاد مایه تعجب اصولگرایان شد؛ تعجب از اینکه او درباره توصیه رهبری اعلام کرده بود سمعا و طاعتا گوش به فرمان هستند و هیچ حرکت انتخاباتی‌ای نخواهند داشت؛ اما رفته‌رفته بر نخبگان و دلسوزان عیان شد که آقای احمدی‌نژاد مانند تمام سال‌های ریاست‌جمهوری‌اش، رفتار و گفتارش یکی نیست. او می‌گفت کاندیدا نمی‌شود؛ اما نامزد انتخابات شد. پیش از این و در دوره هشت‌ساله ریاست‌جمهوری او، عموم چهره‌های اصلاح‌طلب و سران اصلاحات تأکید می‌کردند آقای احمدی‌نژاد انسان صادقی نیست و عاقبت خود را به عاقبت نظام گره زده است؛ اما در سال‌ها تلاش بر این بود که صدای اصلاح‌طلبان منکوب شود. روزنامه‌ها را زیر فشار قرار می‌دادند و روزنامه‌نگاران و سیاست‌مداران را در تنگنا که درباره معجزه هزاره سوم هیچ نگویند.

روزگاری این سخن‌ها را گوشزد کرده بودیم، تازه نبود، قابل پیش‌بینی بود که او از آنجایی که یک بازیگر سیاسی است، برای آنکه در رأس خبرها باشد، هرکاری می‌کند؛ اما اکنون یک پرسش دارم. بسیاری از اصولگرایان از رفتار امروز احمدی‌نژاد عصبانی شدند.

او بازی آنها را برهم زده و می‌زند. اکنون پرسش من این است: باغی انقلاب کیست؟ اکنون چه کسی ترمز کرده است؟ بد نیست اصولگرایان و دلسوزان یک بار دیگر گذشته را دوره کنند، شاید در خلوت خود به جواب‌هایی برسند که راهگشا باشد.

با اتفاقات امروز، آنها‌ها که در این سال‌ها توصیه‌های دلسوزان این نظام و کشور را که همواره بر خطر جریان احمدی‌نژاد تأکید می‌کردند، نادیده انگاشتند و تمام‌قد پشت جریان آقای احمدی‌نژاد ایستادند، باید در برابر ملت و تاریخ پاسخ‌گو باشند.

*نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی



با یک انتخاب آگاه شویم، همراه شویم...

موسسه خیریه
بهنام دهش پور
حمایت از بیماران
مستلا به سرطان
Behnam Daheshpour
Charity Organization
behnamcharity.org.ir
behnamcharity

برای دریافت اپلیکیشن به سایت موسسه مراجعه فرمائید.
behnamcharity.org.ir